



پکن در قدرت‌گیری چپ‌گرایان در آمریکای لاتین چه نقشی دارد؟

اژدهای زرد در حیات‌خلوت آمریکا

فرهیختگان | در یک دهه گذشته، سرمایه‌گذاری چین در آمریکای لاتین و کارائیب (LAC) به میزان قابل توجهی افزایش یافته و از منابع طبیعی به صنایع دیگر تسری یافته‌است. در سال‌های اخیر شرکت‌های دولتی چین سرمایه‌گذاران اصلی در صنایع انرژی و زیرساخت‌های منطقه هستند و این کشور به‌عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکای جنوبی از ایالات متحده پیشی گرفته‌است. منابع غربی مدعی هستند پکن از این طریق حضور دیپلماتیک، فرهنگی و نظامی خود را در منطقه گسترش داده‌است تا آمریکا و متحدانش را نگران‌تر از سابق کند. واشنگتن و متحدانش، از این بیم دارند که پکن از این روابط برای تعقیب اهداف ژئوپلیتیکی خود ازجمله انزوای بیشتر تایوان و تقویت حکومت‌هایی که آنها آن را «خودکامه» می‌خوانند، استفاده کند. برآیند تغییرات سیاسی در منطقه که با آرای مردمی صورت گرفته، بیابنگر فاصله‌گذاری بیشتر آمریکای لاتین با ایالات متحده آمریکاست. پیروزی چپ‌گرایان آن هم بعد از ۲ قرن در کلمبیا، این فاصله‌گذاری را به‌وضوح نشان داد. اگر در انتخابات چند ماه آینده برزیل نیز چپ‌ها به پیروزی برسند، هفت کشور برجمعیت آمریکای لاتین(برزیل، مکزیک، کلمبیا، آرژانتین، پرو، ونزوئلا و شیلی) که ۸۰ درصد جمعیت منطقه را به خود اختصاص داده‌اند، همگی توسط رهبران چپ اداره خواهند شد. اکثر سیاستمداران جناح چپ که قبلاً در آمریکای لاتین قدرت داشتند، اکنون دیدگاه دوستانه‌تری نسبت به چین دارند. آلبرتو فرناندز، رئیس‌جمهور چپ‌گرای آرژانتین که در سال ۲۰۱۹ روی کار آمد، ماه‌ها قبل علی‌رغم تحریم‌های به اصطلاح سیاسی علیه المپیک زمستانی ۲۰۲۲ چین، که توسط برخی کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده سازماندهی شده بود، از چین دیدن کرد و در بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۲۲ پکن شرکت کرد. وزارت خارجه آرژانتین حتی بیانیه‌ای را در وب‌سایت خود منتشر کرد و گفت که قاطعانه از المپیک زمستانی پکن حمایت می‌کند. اما در فرآیند چرخش مجدد آمریکای لاتین به سمت چپ با همان جزر و مد صورتی، چین چه تأثیری داشته‌است؟

حیات‌خلوت آمریکا

در قرن نوزدهم، «جیمز مونرو» رئیس‌جمهور ایالات متحده، کل قاره آمریکا را حوزه نفوذ ایالات متحده اعلام کرد. از آن زمان استراتژی ایالات متحده در قبال آمریکای لاتین کنترل کامل سیاسی و نظامی منطقه همرا با تسلط برمنافع اقتصادی آن بوده‌است. مکزیک، در سال ۱۸۴۶، یکی از اولین قربانیان دکتترین مونرو بود. از آن زمان، ارتش ایالات متحده بیش از ۱۰۰ مداخله، تهاجم و کودتا را در آمریکای لاتین و دریای کارائیب انجام داده‌است. در دهه ۷۰ میلادی، سیاستسوری کودتاهای نظامی در سراسر منطقه برای سرنگونی دولت‌های چپ و مستقل انجام داد. در یک برنامه مخفی به نام عملیات کندور، سیا از نزدیک با دیکتاتورهای نظامی برای سرکوب فعالان چپ و جلوگیری از ظهور کمونیسم در میان مردم محلی همکاری کرد. سال ۱۹۶۴، کودتا در برزیل منجر به ۲۰ سال حکومت دیکتاتوری در این کشور شد. در سال ۱۹۷۳، نیکسون و کیسینجر از کودتای پینوشه در شیلی حمایت کردند. این کودتا منجر به کشته شدن آئنده، رئیس‌جمهور منتخب در کاخ ریاست جمهوری، دستگیری ۳۸ هزار هوادار او و اعدام ۴ هزار نفر دیگر شد. در آرژانتین، پاراگوئه، بولیوی و اروگوئه نیز همه از کودتاهای جناح راست مورد حمایت ایالات متحده رنج بردند. در دهه ۸۰ میلادی ایالات متحده سیاست تئولیبرالی خود را از طریق اجماع‌واشنگتن پیش‌برد و کشورهای آمریکای لاتین رامجبور به پرداخت بدهی‌های کل کرد. در نتیجه اصلاحات تئولیبرالی اجماع واشنگتن، ۵۰ میلیون نفر در آمریکای لاتین از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۵ در فقر فرو رفتند و نرخ فقر از ۳۵ درصد به ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت. بدهی خارجی کشورها در بازه سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ تا ۶۷،۳۱ میلیارد دلار به ۲۰۸،۷۶ دلار (۳ برابر) افزایش یافت. نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی از ۲ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۸،۵ درصد در سال ۱۹۸۹ افزایش یافت و امکان توسعه اقتصادی را محدودتر کرد.

ونزوئلا و احیای چپ

در سال ۱۹۹۹، با انتخاب هوگو چاوز به عنوان رئیس‌جمهور ونزوئلا، موجی مترقی در آمریکای لاتین آغاز شد. این موج حاصل نارضایتی مردم آمریکای لاتین از تئولیبرالیسم و هژمونی ایالات متحده بود. به موازات روی کار آمدن چاوز در ونزوئلا، در چین نیز توسعه همکاری‌های اقتصادی با آمریکای لاتین با جدیت دنبال شد. برخلاف آمریکا، چین برای همکاری‌های اقتصادی پیش شرط و تحمیلی را به کشورها تحمیل نمی‌کرد و اولویت نخست را به تجارت می‌داد. اگرچه در آن برهه چین حاضر به تقابل با آمریکا نبود ولی یک جایگزین مناسب و ارزان برای بسیاری از کشورهایی بود که تلاش می‌کردند به شکلی از زیرسایه آمریکا خارج شوند و یک روابط متوازن با دنیا برقرار کنند. در کمتر از یک دهه بعد، احزاب مترقی و چپ در برزیل، آرژانتین، اروگوئه، بولیوی، نیکاراگوئه، اکوادور، السالوادور و پاراگوئه به‌طور متوالی در انتخابات پیروز شدند تا برای اولین بار در تاریخ آمریکای لاتین، گروهی از حکومت‌های مردمی از طریق انتخابات دموکراتیک به قدرت برسند.

واکنش ایالات متحده به این موج مترقی، مجددا دوره انداختلانی را آغاز کرد که با تحریم‌های اقتصادی، کودتاهای تحریک شده و جنگ‌های ترکیبی خود را به نمایش گذاشت. دور جدید مداخله ایالات متحده باعث شکست رژیم‌های مردمی و احزاب مترقی در آمریکای لاتین شد. در سال ۲۰۱۲، «فرناندو لوگو»، رئیس‌جمهور پاراگوئه در یک «کودتای قانون اساسی» استیضاح شد و در سال ۲۰۱۳، سازمان سیا به اعتراضات خیابانی خشونت‌آمیز در ونزوئلا دامن زد. در سال ۲۰۱۶، رئیس‌جمهور برزیل سرنگون شد و

رئیس‌جمهور سابق لولا که به همان حزب کارگری تعلق داشت، به دلیل اتهامات فساد(که بعداً ثابت شد کاملاً ساختگی هستند) نتوانست نامزد انتخابات شود. در سال ۲۰۱۹، سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) به رهبری ایالات متحده ادعا کرد انتخابات بولیوی تقلبی بود. به دنبال آن کودتایی صورت گرفت که به استعفاى رئیس‌جمهور مورالس انجامید.

اژدها وارد می‌شود

پس از تاسیس جمهوری خلق چین، روابط اقتصادی چین با آمریکای لاتین سه دوره را طی کرد. دوره نخست شامل بازه ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸ می‌شود. در این دوره چین خود را به عنوان یک کشور جهان سومى معرفی می‌کند که توسط ایدئولوژی سوسیالیستی هدایت می‌شود. در آن دوره پکن به دنبال سیاست خارجی تا حد زیادی مستقل و نزدیکی به دولت‌هایی با هویت‌های مشابه خود، بود. در طول این دوره، سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) چین به‌طور مداوم پایین‌تر از کشورهای فقیر سنتی مانند چاد و مالوای بود. با این حال، چین به تعدادی از کشورهای درحال توسعه که در آن زمان ایدئولوژی مشترک داشتند، کمک کرد. به عنوان نمونه شیلی و دولت سوسیالیستی آن اولین کشور در آمریکای لاتین بود که چین را در سال ۱۹۷۰ به رسمیت شناخت. باین حال، اکثر کشورهای آمریکای لاتین پس از سفر ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور آمریکا به پکن در سال ۱۹۷۲، دولت کمونیستی مائوتسه تونگ را به رسمیت شناختند.

دوره دوم روابط اقتصادی چین و آمریکای لاتین به سال ۱۹۷۸ تا اواخر دهه ۹۰ میلادی بازمی‌گردد. در این دوره روابط دو طرف تحت تأثیر سه عامل باعث دوری دو طرف شد: «۱- تمرکز چین بر تقویت توسعه اقتصادی و کاستن از توجه به سیاست بین‌الملل؛ ۲- افزایش نفوذ ایالات متحده بر توسعه اقتصادی آمریکای لاتین با پایان جنگ سرد و ۳- فاصله جغرافیایی زیاد بین چین و آمریکای لاتین.» در آن سال‌ها، بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین یا جذب ایدئولوژی اقتصادی ایالات متحده شدند یا تشویق به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی تئولیبرالی با وام‌های صندوق بین‌المللی پول شدند. کمی بعد با ظهور چین و نشانه‌های افول تئولیبرالیسم، محیط مطلوب برای افزایش تجارت پکن با آمریکای لاتین ایجاد شد. این زمینه سومین دوره روابط دو طرف را شکل داد و نزدیکی تدریجی بین آنها آغاز شد. در اواخر سال ۱۹۹۹، چین سیاست «برون رفت» خود را آغاز کرد و متعهد به تجارت با شد و به دنبال آن تجارت جهانی خود را دنبال کرد. همزمان با ورود چین به سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۲۰۰۱ تعامل اقتصادی چین با آمریکای لاتین به‌طور قابل توجهی رشد کرد.

در سال ۲۰۰۰، بازار چین کمتر از ۲ درصد از صادرات آمریکای لاتین را تشکیل می‌داد، اما رشد سریع چین و نقضای کالا باعث رونق تعامل دو طرفه شد. بین سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، تجارت کالا بین

جهان‌شهر



دو طرف از ۱۰ میلیارد دلار به بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار افزایش یافت (نمودار زیر). این میزان تجارت رفته‌رفته توسعه پیدا کرد و در سال ۲۰۱۸ به ۳۰۷ میلیارد دلار رسید و سپس راکد شد. در سال گذشته کل تجارت چین و آمریکای لاتین و کارائیب (LAC) نزدیک به ۴۴۹ میلیارد دلار افزایش یافت. واردات چین از LAC در سال ۲۰۲۱ به ۲۲۱ میلیارد دلار رسید که عمدتاً از منابع طبیعی همچون سنگ معدن (۴۲ درصد)، سویا (۱۶ درصد) و مواد معدنی تشکیل شده‌است. صادرات چین به منطقه در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۲۲۸ میلیارد دلار بوده‌است که این رقم شامل ماشین‌آلات و تجهیزات الکتریکی (۲۱ درصد)، ماشین‌آلات و لوازم مکانیکی (۱۵ درصد) و وسایل نقلیه موتوری و قطعات (۷ درصد) بوده‌است.

چین اکنون به بزرگ‌ترین شریک تجاری برزیل، شیلی، پرو و اروگوئه و دومین شریک تجاری بزرگ برای بسیاری از کشورهای دیگر تبدیل شده‌است. چین قراردادهای تجارت آزاد با شیلی، کاستاریکا و پرو را در این کشور امضا کرده‌است. اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند که تا سال ۲۰۳۵ این تجارت از ۷۰۰ میلیارد دلار نیز فراتر رود. جدا از بحث تجارت بین دو طرف، براساس آمار سرمایه‌گذاری‌های چین در LAC از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ بالغ بر ۱۴۰ میلیارد دلار بوده که از آن، سهم برزیل ۶۴ میلیارد دلار و پرو ۲۵ میلیارد دلار بوده‌است.

کرونا اسب ترلواى چین

در روزهایی که کشورهای غربی از یکدیگر ماسک و الکل به سرعت می‌بردند و محموله‌های یکدیگر را غارت می‌کردند درواهای اثرگذار را انبار واکسن‌های تولیدنشده را پیش خرید می‌کردند، چینی‌ها سخت مشغول فعالیت بودند تا از این تهدید، برای خود فرصتی بی‌بدیل بسازند. پس از فروکش بحران همه‌گیری کرونا، تحلیلگران چشم‌باز کردند و دیدند که چینی‌ها با «دیپلماسی COVID-۱۹» در آمریکای لاتین، رضایت دولت‌های منطقه را به‌دست آوردند. آنها تجهیزات پزشکی مانند ونتیلاتور، کیت‌های تست و ماسک را در آمریکای لاتین توزیع کردند و میلیاردها دلار وام به کشورها برای خرید واکسن چینی دادند و در تاسیسات تولید واکسن محلی سرمایه‌گذاری کردند. تا اواخر اکتبر ۲۰۲۱، چین بیش از ۱۷۹ میلیارد ماسک، ۱،۷۳ میلیارد لباس محافظ و ۵۴۳ میلیون کیت آزمایش را به ۱۵۰ کشور و هفت سازمان بین‌المللی داده‌بود. چین بیش از ۳۰۰ میلیون در واکسن را به آمریکای لاتین تحویل و بیش از سه‌برابر مقداری که توسط ابتکار جهانی کواکس به این منطقه داده شده‌است. علاوه بر این حداقل ۱۲ کشور در منطقه قراردادهای واکسن با پکن امضا کرده‌اند که برخی از آنها شامل انتقال فناوری و همکاری تحقیقاتی با سازنده چینی واکسن سینوواک است. شیلی با ۷۵ درصد و اکسیناسیون کووید-۱۹ با واکسن‌های چینی در صدر دریافت‌کنندگان این واکسن است. آرژانتین، برزیل، کلمبیا، مکزیک و پرو نیز صدها میلیون دز واکسن از چین خریداری کرده‌اند. برخی کشورهای منطقه همچون هندوراس

به دنبال تقویت روابط نظامی با چین بوده و میزان ارتش آزادی‌بخش خلق چین برای چندین بازدید بوده‌است.

حضور رو به رشد چین همچنین در مشارکت این کشور در عملیات‌های حفظ صلح در هائیتی و همچنین تمرینات آموزشی نظامی و تأمین تجهیزات در سراسر منطقه قابل مشاهده‌است. به عنوان مثال چین به ادارات پلیس بولیوی تجهیزات ضدشورش و خودروهای نظامی و تجهیزات حمل‌ونقل و موتورسیکلت به نیروهای پلیس در گویان و ترینیداد و توباگو اهدا کرده‌است.

سایر زمینه‌های اصلی همکاری دوجانبه

انرژی؛ بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸، چین ۷۳ میلیارد دلار در بخش مواد خام آمریکای لاتین سرمایه‌گذاری کرد، ازجمله با ساخت پالایشگاه‌ها و کارخانه‌های فرآوری در کشورهای دارای مقادیر قابل توجهی زغال‌سنگ، مس، گاز طبیعی، نفت و اورانیوم. اخیراً پکن تقریباً ۴،۵ میلیارد دلار در تولید لیتیوم در مکزیک و کشورهای به اصطلاح مثلث لیتیوم (آرژانتین، بولیوی و شیلی) سرمایه‌گذاری کرده‌است. این سه گانه روی هم حاوی بیش از نیمی از لیتیوم جهان است، فلزی که برای تولید باتری‌ها ضروری است. شرکت‌های دولتی چین به‌شدت در توسعه انرژی مشارکت دارند، برای مثال PowerChina. بیش از ۵۰ پروژه در حال انجام در ۱۵ کشور آمریکای لاتین دارد. چین همچنین به بخش انرژی‌های تجدیدپذیر منطقه علاقه نشان داده‌است. بانک توسعه چین پروژه‌های بزرگ خورشیدی و بادی مانند بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی آمریکای لاتین در جوجوی، آرژانتین و مزرعه بادی Punta Sierra در کوکیمبو، شیلی را تأمین مالی کرده‌است.

زیرساخت؛ آرژانتین، برزیل، شیلی، اکوادور، پرو و اروگوئه اعضای بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا هستند. پکن همچنین پروژه‌های ساختمانی در سراسر منطقه را با تمرکز بر سدها، بندر و راه‌آهن تأمین مالی کرده‌است. باین حال چندین پروژه در مقیاس بزرگ، ازجمله یک کانال عظیم در نیکاراگوئه و یک راه‌آهن بزرگ که برزیل و پرو را به هم متصل می‌کند، به دلیل نگرانی‌های زیست‌محیطی، مسائل مالی و مخالفت‌های سیاسی محلی متوقف مانده‌است. چین روی «زیرساخت‌های جدید» مانند هوش مصنوعی، محاسبات ابری، شهرهای هوشمند و فناوری ۵G از شرکت‌های مخابراتی مانند هواوی متمرکز شده‌است. علی‌رغم هشدارهای ایالات متحده درمورد استفاده از تجهیزات هواوی- که به گفته سیاست‌گذاران، کشورها را در برابر تهدیدات سایبری چین آسیب‌پذیر می‌کند- آرژانتین و برزیل ازجمله برای شبکه‌های تلفن همراه خود به آن وابسته هستند.

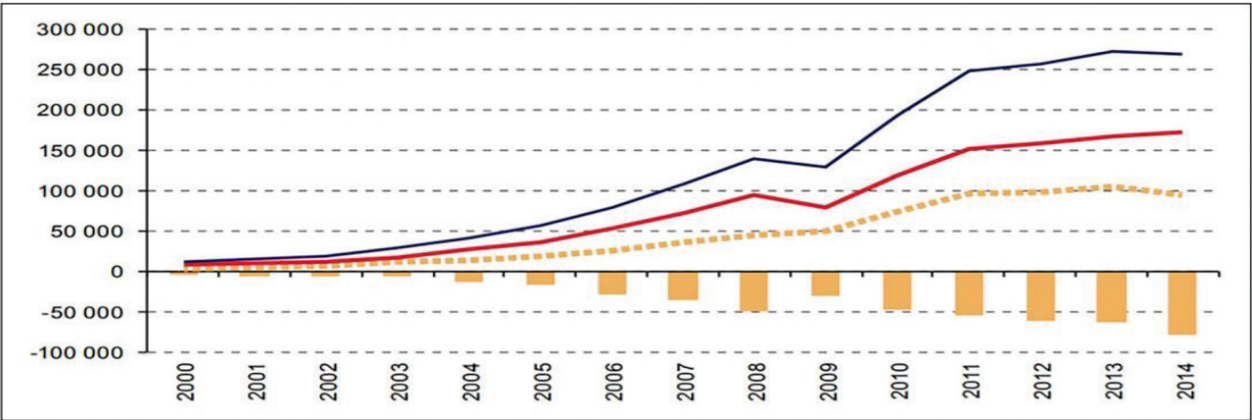
فضا؛ پکن همچنین به دنبال تقویت همکاری فضایی با آمریکای لاتین بوده که با تحقیق و تولید مشترک ماهواره چین و برزیل در سال ۱۹۸۸ آغاز شده‌است.

ابتکار کمربند و جاده (BRI)؛ این ابتکار براساس ایجاد زیرساخت در کشورهای جهان و اتصال آنها به یکدیگر طراحی شده‌است. باین حال این طرح که به «راه ابریشم جدید» نیز مشهور است، قرار نیست تنها در مسیر راه ابریشم تاریخی منحصr شده و صرفاً چین را از طریق غرب آسیا به اروپا متصل کند. به همین دلیل دیگر مناطق جهان نیز شامل طرح بزرگ هواوی، غول جنجالی مخابراتی چینی، استفاده کرد. در برزیل هفته‌ها پس از ارائه میلیون‌ها دز واکسن توسط چین، تصمیم پیشین ممنوعیت فعالیت هواوی در توسعه شبکه‌های ۵G لغو شد. چین مالی ۲۰۰۸ جلگیری کند. البته چین که در جنگ تجاری گسترده‌ای با آمریکا بر سر تجارت و فناوری به سر می‌برد، از اهرم واکسن خود با زیرکی برای گسترش هواوی، غول جنجالی مخابراتی چینی، استفاده کرد. در برزیل هفته‌ها پس از ارائه میلیون‌ها دز واکسن توسط چین، تصمیم پیشین ممنوعیت فعالیت هواوی در توسعه شبکه‌های ۵G لغو شد. چین مالی ۲۰۰۸ جلگیری کند. البته چین که در جنگ تجاری گسترده‌ای با آمریکا بر سر تجارت و فناوری به سر می‌برد، از اهرم واکسن خود با زیرکی برای گسترش هواوی، غول جنجالی مخابراتی چینی، استفاده کرد. در برزیل هفته‌ها پس از ارائه میلیون‌ها دز واکسن توسط چین، تصمیم پیشین ممنوعیت فعالیت هواوی در توسعه شبکه‌های ۵G لغو شد. چین مالی ۲۰۰۸ جلگیری کند. البته چین که در جنگ تجاری گسترده‌ای با آمریکا بر سر تجارت و فناوری به سر می‌برد، از اهرم واکسن خود با زیرکی برای گسترش هواوی، غول جنجالی مخابراتی چینی، استفاده کرد. در برزیل هفته‌ها پس از ارائه میلیون‌ها دز واکسن توسط چین، تصمیم پیشین ممنوعیت فعالیت هواوی در توسعه شبکه‌های ۵G لغو شد. چین مالی ۲۰۰۸ جلگیری کند.

روابط امنیتی پکن و آمریکای لاتین

شورای راهبردی روابط خارجی آمریکا در گزارشی نوشته‌است که استراتژی دولت چین در مورد آمریکای لاتین، همان‌طور که در کتاب سفید استراتژی دفاعی ۲۰۱۵ و موارد دیگر تعریف‌شده‌است، بر اهمیت همکاری امنیتی و دفاعی تأکید کرده‌است. تلاش‌های چین برای ایجاد روابط نظامی قوی‌تر با هم‌تایان خود در آمریکای لاتین شامل فروش تسلیحات، مبادلات نظامی و برنامه‌های آموزشی است. ونزوئلا پس از آنکه دولت ایالات متحده فروش تسلیحات تجاری به این کشور را از سال ۲۰۰۶ ممنوع کرد، به بزرگ‌ترین خریدار سخت‌افزار نظامی چین در منطقه تبدیل شد. طبق گزارش‌ها، بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹، پکن بیش از ۶۱۵ میلیون دلار سلاح به ونزوئلا فروخت. بولیوی و اکوادور نیز میلیون‌ها دلار هواپیماهای نظامی چینی، وسایل نقلیه زمینی، راراهای دفاع هوایی و تفنگ‌های تهاجمی خریداری کرده‌اند. کوبا

China–Latin America Trade (Yearly / US\$ million).



— Total Trade Volume
— Chinese Exports to Latin America
— Latin American Exports to China
■ Trade Imbalance